



ندای انقلاب

۱۸

حزب کمونیست کارگری ایران

ویژه خارج کشور

انقلابی انسانی
برای
یک حکومت انسانی

چهارشنبه ها منتشر میشود

nedaye_enqelab@yahoo.com

چهارشنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۸ - ۹ دسامبر ۲۰۰۹

سر دبیر: حسن صالحی

مصوبه کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران

ما نیفتست انقلاب ایران

روست که برای این انقلاب در هر گوشه جهان ترانه ساختند. و "ندا" قهرمان محبوب مردم جهان شد.

انقلاب ایران قبل از هر چیز ضد حکومت مذهبی و اسلامی است. عمیقاً سکولار و علیه حکمیت جهل و خرافه و آخوند است. از این لحاظ وظیف نیمه کاره یا فراموش شده انقلاب کبیر فرانسه را بنحو رادیکال پی میگیرد. با پیروزی این انقلاب، مذهب نه فقط از نولت و آموزش و پرورش کاملاً جدا میشود، بلکه هر امتیاز، قانون و سنتی که به دستگاه مذهب اجازه نخالت در زندگی اجتماعی دهد نیز لغو میگردد. مذهب تماماً به حیطه انتخاب داوطلبانه و عقیده شخصی افراد بزرگسال رانده میشود. مذهب

قرون وسطای "پسامدرنی" را به بشریت تحمیل کرده است. انقلاب ایران صدای "قطب سوم" علیه این

تروریستها" شناخته میشود. دوره ای که با مسخ انسان در مذهب و قومیت و ملیت، با تعریف رابطه با هم نوع

سخن میگوید. در اساس، این انقلابی علیه دوره تاریکی است که با تهاجم "راست جدید" و "نظم نوین

انقلابی که از خرداد ۸۸ آغاز شد فوران خشم فروخورده مردم علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. این انقلابی برای خلاصی از نظامی فاسد و درهم شکستن ماشین کشتار و چپاول و جهل و دروغ است که سی سال زندگی مردم را به تباهی کشانده است. این انقلاب تا بزیر کشیدن کل حکومت اسلامی و درهم کوبیدن سرپای نظام ضد انسانی حاکم از پای نخواهد نشست.



اما این انقلاب فقط برای رهائی مردم ایران از بختک اسلامی نیست. یا حتی صرفاً مایه امید و الهام مردم مناطق اسلام زده نیست. این انقلاب از دل مردم جهان

قهقرای بورژوازی عصر ماست. صدایی که "آزادی، برابری، هویت انسانی" را فریاد میزند. از همین

بر پایه "جنگ تمدنها"، با انکار حقوق جهانشمول انسان تحت لوای "نسبیت فرهنگی"، در واقع یک

جهانی"، با "یازده سپتامبر" و عروج اسلام سیاسی، با اعلام "جنگ علیه ترور" و آتش زدن دنیا در "جنگ



در پیش خویش نمی بیند. شانزده آذر با جسارت و از خود گذشتگی و قهرمانی خیل عظیمی از جوانان و مردم، این راه را به حاکمین منور اسلامی نشان داد.

بیش از پیش حقایق انقلاب و سرنوشتی طلبی را به ژرفای جامعه میرسد. حکومتی که با جامعه سر جنگ دارد و اعلام جنگ میکند، راهی جز زیله دان

با شانزده آذر

انقلاب گام بلندی به پیش برداشت!

چنگ و دندان کثیفش را نشان داد تا این روز را بی دردر پشت سر بگذارد. دانشجویان بسیاری را در خانه و دانشگاه و خوابگاهها دستگیر کردند، عربده کشیدند، رژه رفتند، اینترنت و تلفن ها را قطع کردند، حکومت نظامی برقرار کردند و لشکر اوباش را به خیابانها فرستادند، و در روز روشن اعلام کردند که از جنایت و بیرحمی دریغ نخواهند کرد. اما دانشجویان و مردم از اینخواه همه این تقلاها را به ضد حکومت تبدیل کردند. نشان دادند که وقتی حکومت بیرحمی و توحش خود را به رخ میکشد،

شانزده آذر امسال یکبار دیگر بر تصمیم و عزم مستحکم مردم ایران برای خلاص شدن از شر حکومت توحش اسلامی سرمایه دارن تاکید گذاشت. شانزده آذر یکبار دیگر نشان داد که مردم ایران مصممند حکومت جنایتکار و فاسد اسلامی را به زیر بکشند و هیچ درجه از توحش و بیرحمی آنها را تسلیم نخواهد کرد. شانزده آذر اعلام کرد که انقلاب آمده است که بماند و به پیش رود و قصد توقف ندارد.

حکومت اسلامی قبل از شانزده آذر تمام

از صفحه ۱
مانیفست انقلاب ایران

"۱۶ آذر" و بازتاب آن در رسانه های جهانی

دیکتاتور داده و با بلند کردن دست خود علامت ۷ را به نشانه پیروزی، نشان می دادند. این روزنامه می افزاید: این تازه ترین اعتراضات و تظاهرات که شش ماه پس از اعلام نتایج انتخابات

بار دیگر اخبار انقلاب مردم ایران در صدر خبرهای رسانه های جمعی قرار گرفت. بیش از ۲ هزار رسانه جهانی اعتراضات روز دانشجو در ایران را پوشش خبری دادند.



صورت گرفت، نشانگر شکست ناپذیری جنبش مخالفان دولت است.

هفته نامه تایم، چاپ آمریکا عنوان "تازه ترین تظاهرات در ایران نمایانگر خیزش دوباره مخالفان" را برای مطلب خود انتخاب کرده و می نویسد: شش ماه پس از انتخابات، موج تازه ای از مخالفتها در ایران سر برآورده که هیچ راه نجاتی برای خاصی حاکمیت از پایان اعتراضات باقی نگذاشته است. هزاران پلیس و

روزنامه گارین چاپ لندن در این باره با مطلبی تحت عنوان "سرکوب تظاهرات دانشجویان" می نویسد پلیس امنیتی برای پایان دادن به شعار "مرگ بر دیکتاتور" متوسل به ابزار سرکوب از جمله گاز اشک آور و باتوم برقی شد. این در حالی است که دولت برای جلوگیری از انتشار اخبار این سرکوبها پوشش خبری این رویداد را ممنوع کرده بود. اما ویدیوهای ارسالی توسط شرکت کنندگان نشان می دهد که دانشجویان شعار مرگ بر

حمایت پرشورتر و پیگیرانه تر از انقلاب و مردم ایران فرا میخواند. کنگره به زنان، جوانان و کارگران در ایران درود میفرستد و آنان را برای به پیروزی رساندن این انقلاب و تحقق مانیفست حاضر به صفوف حزب فرامیخواند.

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران

۶ دسامبر ۲۰۰۹، ۱۵ آذر ۱۳۸۸

(مانیفست انقلاب به اتفاق آراء به تصویب نمایندگان کنگره و به تأیید کلیه مهمانان حاضر در کنگره رسیده است)

انقلاب فرانسه، از کموناردهای پاریس تا کارگران پتروگراد، از شوراهای انقلاب ۵۷ تا جنبش ضد کاپیتالیستی اوایل هزاره سوم میلادی که از سیاتل تا رم وسعت داشت. انقلاب ایران در اساس علیه بردگی مدرن مزی است که دوره آن سالهاست به سر آمده و برای حفظ خود چنین به مذهب و خرافه و شکنجه و زندان و ترور و جنگ و بمب اتم متوسل شده است. این شعار دانشجویان تهران بنیادهای انقلاب ایران را بیان میدارد: "سوسیالیسم یا بربریت!"

پیروزی انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، فصل نویی در جهان میگذشاید و تکیه گاهی برای پایان دادن به تاریخ طبقاتی و شروع تاریخ واقعی انسان خواهد بود. کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری مردم جهان را به

آزاد باید گردد"، که مقوله زندانی سیاسی باید برچیده شود. این انقلابی علیه اعدام و هر مجازات بیرحمانه و یا اسلامی است. نه فقط علیه "کهریزک" است که علیه "گوانتانامو" و فرهنگ سیاسی مترادف با آن، از "شوک تریپی" تا تبدیل شدن "تجاوز، شکنجه" به ابزار رسمی حکومت است. این انقلابی نه فقط برای "خلاصی فرهنگی" از اسلام و دیکتاتوری و هرگونه عقب ماندگی و رجوع به "فرهنگ خودی" است، که برای فرهنگی جهانی و انسانی و مدرن مبارزه میکند. از این لحاظ نزدیکترین سلف انقلاب ایران جنبش های حقوق منی و آزادیخواهانه دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم در آمریکا و اروپای غربی است. با این تفاوت که این انقلاب همراه مارکس از "جامعه مننی" فراتر میرود و "جامعه انسانی یا انسانیت اجتماعی" را در افق خود قرار میدهد.

این انقلاب پاسخ کوبنده یک جامعه به فقر و تباهی کشیده شده به مفتخوران حاکم است. انقلابی است برای امحای فلاکت و بیکاری و تفاوت مدتها میان زندگی یک اقلیت میلیاردی و توده عظیم مردم محرومی که به زیر خط فقر رانده شده اند. این انقلابی نه فقط بر علیه تعویق چندین ماهه دستمزد میلیونها کارگر بلکه در اساس انقلابی است بر علیه نفس خرید و فروش نیروی خلاقه انسان و حاکمیت قوانین کور و بیرحم بازار بر زندگی انسان. این انقلابی است برای ختمه بخشیدن به اعتیاد و تن فروشی، بی حقوقی و محرومیت کودکان کار و خیابان، بیخامانی و افسردگی و خودکشی و دیگر مصائب ناشی از فقر که در جامعه ایران بیداد میکند. این انقلابی است برای "معیشت و منزلت" و "زندگی حق مسلم ما است".

بدینترتیب انقلاب جاری در ایران بر سر رهایی انسان در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فکری، فرهنگی و اقتصادی است. این انقلابی علیه همه هویت های کاذب اعم از مذهبی، قومی و ملی برای انسان و نهایتاً پایان دادن به تقسیم انسانها به طبقات است. این انقلابی برای حرمت انسان، برای شادی، آزادی، رفاه و برابری همگان در برخورداری از مواهب مادی و معنوی زندگی اجتماعی است. و طبعاً انقلابی برای بازگرداندن اختیار به انسان چه در ظرفیت فردی و چه اجتماعی است. در یک کلام، چنانکه از روز نخست اعلام کردیم، این "انقلابی انسانی برای حکومت انسانی" است. بدین معنی انقلاب در ایران به تلاشهای عظیمی در تاریخ وصل میشود. از اسپارتاکوس تا ژاکوبین های

رسمی الغاء میگردد و دست مذهب از جامعه و شئون اجتماعی کاملاً قطع میشود. بدین ترتیب برای اولین بار آزادی مذهب و لامذهبی بطور واقعی برقرار میشود. انقلاب ایران فی الحال ممانعت دول اروپا و غرب با اسلام سیاسی و عقبگرد بیشرمانه از سکولاریسم را عملاً زیر نقد کوبنده ای گرفته است. انقلاب ضد مذهبی در ایران آغاز "رنسانس نوین" در تاریخ بشر است.

انقلاب جاری در ایران یک "انقلاب زنانه" است. نه فقط به این دلیل که بطور بلافصل علیه آپارتاید جنسی و حکومت ضد زن برپا شده است، نه فقط از آنرو که زنان و دختران در صف اول تظاهرات ها و نبردهای شورانگیز خیابانی قرار دارند. بلکه همچنین به این دلیل که "آزادی زن معیار آزادی جامعه است" بیش از پیش به شعور توده های وسیع مردم بدل میشود. "برابری بی قید و شرط زن و مرد" حکم خدشه ناپذیر انقلاب حاضر است. این انقلاب گامی در ادامه تلاشهای بشریت مدرن برای رهایی از بردگی ننگین جنسی است. از انقلاب اکثریت تاجنیش های رهایی زن در غرب، از تظاهرات زنان علیه حجاب در اسفند ۵۷ تا سی سال مقاومت و اعتراض زنان علیه حجاب و تبعیض و تحقیر اسلامی، پشتوانه استوار و الهام بخش انقلاب حاضر در ایران است. پیروزی انقلاب کنونی نه فقط تأثیری شگرف در موقعیت و مبارزات زنان در کشور های اسلام زده خواهد داشت، بلکه کل جنبش رهایی زن در جهان را به پیش خواهد راند.

انقلاب در ایران بر سر آزادی است. تحقق رادیکالترین و انسانی ترین تعریف از آزادی های فردی، مننی، فرهنگی و سیاسی امر فوری این نسل "تویتر" و "فیس بوک" است که به انقلاب برخاسته است. هیچ شرطی بر آزادی بیان، اجتماع، اعتصاب، تشکل، تحزب و دیگر آزادی های سیاسی را نمی پذیرد. هیچ مرزی بر آزادی انتقاد از "مقدسات" را برسمیت نمی شناسد. هیچ سانسور و ممیزی بر فرهنگ و هنر و ادبیات و فعالیت خلاقه انسانها را قبول نمی کند. علیه هرگونه دخالت دولت و یا هر نهاد رسمی در زندگی خصوصی، از جمله روابط و ترجیحات جنسی اعضای جامعه است. نه فقط "زندانی سیاسی

از صفحه ۱

با ۱۶ آثر انقلاب گمهای...

از اعتراضات ندارد" و امثال اینها نشانگر ابعاد و اهمیت و پژواک وسیع شانزده آذر بود. بیش از دو هزار رسانه بین المللی خیر تظاهراتهای شانزده آذر را در صدر اخبار خویش قرار دادند. و این بی سابقه بود و با واقعیت شانزده آذر خوانایی داشت.

حزب کمونیست کارگری به همه دانشجویان و جوانان و زنان و مردان آزاده که با فداکاری و از خودکشتگی گام مهمی انقلاب برای سرنگونی حکومت اسلامی را به جلو سوق دادند، صمیمانه درود میفرستد. ما همه مردم را فرا میخوانیم که برای آزادی فوری دستگیر شدگان شانزده آذر که شمارشان به صدها نفر میرسد، پا به میدان بگذارند. جمهوری اسلامی باید بداند که ادامه بازداشتها و هرگونه شکنجه و جنایتی، تنها خشم مردم را افزایش میدهد.

انقلاب آزادیخواهانه مردم ادامه دارد.

زنده باد شانزده آذر
مرگ بر جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آذر ۱۳۸۸، ۸ دسامبر ۲۰۰۹

"آزادی آزادی" سر میدادند و احمدی نژاد و خامنه ای را آشغال خطاب میکردند. در شانزده آذر جهانبان این پیام را شنیدند که علیرغم صحنه سازیها و ادعاهای



تبلیغی حکومتیان، انقلاب تداوم دارد و توقفهای چند روزه و چند هفته ای به معنای فروکش انقلاب در ایران نیست. پوشش وسیع و گسترده و بیسابقه شانزده آذر در رسانه های بین المللی با تیتراهای نظیر اینکه "شانزده آذر معادلات سیاسی را بهم زد"، "شانزده آذر یک رویداد سیاسی مهم بود"، "حکومت راه خلاصی

نجف آباد و برخی دانشگاههای دیگر صحنه حضور گسترده دانشجویانی بود که علیرغم حضور گسترده نیروهای سرکوب دست به تظاهرات زدند. مردم در کنار دانشجویان به خیابان آمدند و

علیرغم محاصره دانشگاهها، دانشگاه و خیابان به هم پیوستند و رو درروی اوپاش و سرکوبگران ایستادند و چشم در چشم آنها، شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و زندانی سیاسی آزاد باید گردد سردادند. دانشجویان و مردم معترض بی محابا علیه سران حکومت و نیروهای سرکوب شعار میدادند. فریاد

جمهوری اسلامی لشکر مزدور و جنایتکار کم ندارد. هزاران نفر از مزدورانش را در تمام شهرهای بزرگ سر هر کوچه و خیابان و میدانی مستقر کرد و بلنکوهای لجن پراکنش طی چند هفته قبل از شانزده آذر یک ریز رجز خوانند و دانشجویان و مردم سرنگونی طلب را تهدید و تحقیر کردند. اما جوابشان را با "مرگ بر دیکتاتور" و "ما زن و مرد جنگیم جنگ تا بجنگیم" و "بسیجی برو گمشو"، "دانشجو میمیرد ذلت نمی پذیرد" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "مرگ بر خامنه ای" و "موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است" گرفتند.

شانزده آذر گام بلند دیگری در پیشروی انقلاب مردم ایران بود. بویژه از این نظر که در این روز دانشجویان و مردم نه زیر پوشش کشاکش جناحهای حکومت یا روزهای حکومتی و امثال آن، بلکه مستقیماً علیه حکومت و با شعارهای رانیکال به میدان آمدند و در برخی از تجمعات پرچمهای سرخ به اهتزاز درآوردند. دانشگاههای تهران، شیراز، تبریز، کرمان، اصفهان، مشهد، یاسوج، سنندج، رشت، بندرعباس، بروجرد، زنجان، اراک، بندر عباس،

بازتاب ۱۶ آذر در رسانه ها

صفوف اعتراضات شدند.

روزنامه واشنگتن پست چاپ آمریکا نیز می نویسد: اقدامات پلیس امنیتی ایران برای سرکوب تظاهرات روز دانشجو علی رغم همه تهدیدات چند روز اخیر بی ثمر بوده است. واشنگتن پست سپس واکنش اولیه روزنامه کیهان تهران را جالب دیده و می نویسد: واکنش اولیه ی تحلیلی کیهان تهران مبنی بر شدت خشونت علیه تظاهرات بود. این روزنامه به نقل از "کیهان می نویسد یک شبکه ضدحکومتی می خواهد دانشجویان را به قتل برساند تا از آن بهره برداری تبلیغاتی کند."

روزنامه "حریت" چاپ ترکیه نیز با تکرار درگیری پلیس با هزاران تظاهرکننده می نویسد: نیروهای امنیتی و شبه نظامیان و لباس شخصی ها اقدام به سرکوب هزاران تظاهرکنندگانی کردند که شعار مرگ بر دیکتاتور را در دانشگاه تهران سر داده بودند. روزنامه حریت می نویسد این بزرگترین تظاهرات و قدرتمندی مخالفان دولت در این ماه است. حریت می نویسد تظاهرات روز دوشنبه از همه نظر برتر و قدرتمندتر از تظاهرات مخالفان در ۱۳

نیروهای سپاه پاسداران و لباس شخصی های حامی حکومت به کمک گاز اشک آور و باتومها نتوانستند از قدرت نمایی دانشجویان جلوگیری کنند.

روزنامه لس آنجلس تایمز نیز عنوان "نوزایی تظاهرات مخالفان پس از انتخابات" را برگزیده و می نویسد: تظاهرات ضدحکومتی روز دانشجو موجی تازه یافته است. هرچند نیروهای بسیج از صبح زود اجازه ورود به محوطه دانشگاهها را یافته بودند، اما ماموران امنیتی مانع ورود دانشجویان مخالف می شدند، با این همه، آنچه رخ داد غلبه شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "نترسید نترسید، ما همه با هم هستیم" در محوطه دانشگاهها بود.

لس آنجلس تایمز می افزاید: حاکمیت همه تدابیر سرکوبگرانه را اتخاذ کرد: از قطع اینترنت و تلفن همراه گرفته تا بستن منرو در روز دانشجو و بازداشت دهها فعال دانشجویی و تهدیدات شدید فرمانده نیروی انتظامی مبنی بر مقابله با هرگونه تظاهرات، اما همه اینها ترسی در دل دانشجویان معترض راه نداد و آنان روانه



تظاهرات بمناسبت ۱۶ آذر
مقابل سفارت جمهوری اسلامی در فرانکفورت / آلمان

مجهز به گاز اشک آور و باتومهای برقی و پشتیبانی لباس شخصی ها نتوانست مانع تظاهرات دانشجویانی شود که شعار مرگ بر دیکتاتور می دادند. ناظران مسائل ایران می گویند پایداری تظاهرکنندگان در رودرویی با اقدامات بازدارنده ی حکومت موفق شد معادلات سیاسی در ایران را برای همیشه برهم زند.

آبان بود در صورتیکه تهدیدات و شدت عمل پلیس ضدشورش ایران در این روز تاکنون بی سابقه بوده است و باید از این پس شاهد کاهش کارایی نیروهای امنیتی در برابر تظاهرکنندگان بود.

و سرانجام روزنامه کریستین ساینس مانیتر چاپ آمریکا در این باره می نویسد: شاهدان عینی در دانشگاه تهران می گویند خشونت پلیس ضدشورش

منتخبی از گزارش "اصغر کریمی" رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری به کنگره هفتم

فعالیت حزب در خارج کشور:

کافی است هر هفته و یا هر روز سری به سایت های حزب بزنید تا فعالیت بی وقفه تشکیلات خارج و کادرها و چهره ها و کمپین هایش را در عرصه های مختلف و در کشورهای مختلف ببینید. علیه جمهوری اسلامی، علیه اسلام سیاسی، علیه اعدا، علیه بی حقوقی کارگران، علیه بی حقوقی زنان، علیه سازش دول غرب با جمهوری اسلامی و علیه رسانه هائی که دائما تصویر وارونه از اوضاع ایران به مردم میدهند، علیه حضور مقامات رژیم در خارج و در همبستگی و جلب حمایت افکار عمومی از مبارزه مردم ایران. این فعالیت ها توسط واحدهای حزب یا کمپین ها و نهادهائی که به ابتکار حزب ایجاد شده است و یا توسط چهره های سرشناس حزب به پیش میرود. از حضور هرساله در کنفرانس سازمان جهانی کار تا مقابله با حضور مقامات رژیم در خارج، از مقابله با اسلام سیاسی و قوانین شریعه تا فعالیت علیه اعدا، از شکایت به دادگاه لاهه تا جلب حمایت سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسان برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی، از فعالیت لابی ایستی و غیره عرصه های متنوع فعالیت حزب در خارج را تشکیل میدهد.

از مقطع انقلاب تاکنون تشکیلات خارج کشور تحرک فوق العاده بیشتری از خود نشان داده است. حضور جنبش سرنگونی طلب و چپ انقلابی را در مقابل جنبش ها و احزاب و گرایشات سازشکار تقویت کرده است و یک پای ثابت و موثر در سازماندهی آکسیون های مختلف در شهرها و کشورهای مختلف، از جمله یک پای موثر اقدام مهم در اشغال سفارت سوئد بوده است. در ماههای گذشته روی آوری به حزب و عضویت در حزب سیر صعودی داشته و دهها نفر

بویره جوانان عضو حزب شده اند و زمینه ایجاد واحدهای تازه ای فراهم شده است. اما چندین برابر این تعداد کسانی بودند که به حزب نزدیک شدند، اما ضعف ساختارهای حزبی، نداشتن پاتوق ها و مکانهائی برای گردهمائی و ضعف های

دوستان و هواداران حزب و به سوالات آنها جواب دادن و کتاب و نشریه به آنها دادن و ارتقاء آنها است. راه و روش کار با جنبش های توده ای، و مسلط نبودن شیوه های کار مدرن یک ضعف دیگر تشکیلات ما در خارج

مراجعه و روی آوری زیاد و زمینه از همیشه آماده تری که وجود دارد، برخی واحدهای آن تضعیف شده یا از بین رفته است. حزب باید به این نهاد که به کار ارزشمند انسانی و سیاسی بزرگی مشغول است و به رشد و گسترش آن که برای نجات تعداد هرچه بیشتری از پناهندگان ایرانی بیش از هر زمان ضروری شده است صمیمانه کمک کند تا واحدهایش را بازسازی کند.



اقدام تاریخی فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار ILO

فعالیت حزب در سطح بین المللی:

با شروع انقلاب موج همبستگی جهانی با مردم ایران جهشی عظیم کرد و مساله ایران که قبل تر با مسائلی مثل اتمی و تروریسم و خاور میانه و حداکثر حقوق بشر تداعی میشد امروز با مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و زندان و شکنجه و تجاوز تداعی میشود. ذهنیت افکار عمومی به تصویری که ما سالها برایش تلاش میکردیم نزدیک شده است. هر جا نهادهای نزدیک به حزب و چهره های شناخته شده حزب کمپینی سازمان داده اند، تعداد قابل توجهی از سکولارها و روشنفکران شناخته شده اومانیست و آنتیست و فعالین نهادها و سازمانهای مدافع حقوق انسان با آنها همراهی کرده و علیه دخالت مذهب و

کشور است و همین باعث سوختن بسیاری از فرصت ها برای قرار گرفتن در راس تظاهرات های توده ای در خارج کشور شده است.

همینجا باید به جنبه دیگری از فعالیت ارزشمند حزب و کادرهای حزب نیز اشاره کرد. در ایندوره مردمی که از ایران و ترکیه و هند و پاکستان تا کشورهای اروپائی به فراسیون و عبدالله اسدی و سایر مسئولین فراسیون برای پیشرفت کار پناهندگی شان و دیپورت نشدن به ایران مراجعه میکنند بسیار بیشتر و متنوع تر شده است. تعداد زیادی در

فاصله بین دو کنگره توسط رفقای ما از دیپورت به ایران نجات یافته اند. متأسفانه علیرغم نیاز به گسترش فعالیت فراسیون در خیلی از کشورها،

دیگر سازمانی، بسیاری از این فرصت ها را برای جذب و ارتقای آنها از دست داد.

انتشارات حزب که برای مدتی نافعال شده بود به همت منصور فرزاد جزواتی را به چاپ رسانده است. بویره با توجه به روی آوری بیشتر به حزب در ماههای گذشته و نیاز طیف جدید به شناخت بیشتر از حزب و کمونیسم کارگری، باید اهمیت بیشتری به فعال کردن انتشارات داد.

یک ضعف مهم تشکیلات فونکسیون برای گردهمائی دائم اعضا و کادرها و دوستان حزب است. پاتوق های حزب یکی از مهمترین ظروف حزب برای سر حال نگهداشتن واحد حزب و اعضای حزب، همفکری و هم جنتی و فعال نگهداشتن تشکیلات، رابطه مستمر با

اسلام سیاسی در زندگی مردم حرف زده اند و خود نیز رادیکال تر شده اند. ما در آستانه جهش بزرگی از بسیج افکار عمومی در همبستگی با مبارزه مردم ایران و پیگیری سیاست های حزب مبنی بر انزوای بین المللی رژیم، بستن سفارتها و مراکز رژیم در خارج، افشای لابی ها و چهره های دو خردادی و رسانه ها و احزاب و دولی که آنها را لایسه میکنند و مقابله با اسلام سیاسی، قرار گرفته ایم وقت ایجاد

نهادهای بزرگ با مشارکت مردم شریف این کشورها و وقت کمپین های قدرتمند و همبستگی های بزرگ و توده ای فرارسیده است. ما نسبت به جنبش های دیگر در موقعیت خوبی هستیم اما احتیاج به نقشه و ظرف های مناسب و تعریف شده داریم از جمله، کمپین ها و واحدهای مختلف نزدیک به حزب باید سیاست متمرکزی را حول شکل دادن به جنبش همبستگی با مردم ایران به پیش ببرند. از نظر سبک کار، کمپین های سیاسی تبلیغی باید جای خود را به مجموعه ای از کمپین سیاسی و اقدامات سازمانگرانه، به درگیر کردن و دخالت دادن و فعال کردن تعداد زیادی از علاقمندان به همبستگی با مردم ایران و ایجاد نهاد و سازمان بدهد. در این زمینه نقش چهره هائی که پیشقدم این فعالیتها بشوند تعیین کننده است.

در ماههای اخیر سوالات زیادی حول مسائل ایران و راه حل و آلترناتیو در مقابل رفقای ما گذاشته میشود. این راه را برای بحث مستقیم درمورد قدرت سیاسی و ضرورت حمایت از حزب و سیاست ها و پلاتفرم های حزب فراهم میکند. شرایط ایران فضای خارج را به مساله سرنگونی جمهوری اسلامی و ضرورت حمایت از مبارزه مردم ایران و مساله قدرت سیاسی کشانده است. این موضوع مهمی است و حزب و کمیته ارتباطات بین المللی و چهره های شناخته شده حزب که در این عرصه فعالند باید به استقبال این شرایط بروند.